

بنده در امتحان قبول شدم و از مهر ماه ۱۳۵۸ کارم را آغاز کردم. تا سال ۱۳۷۰ در مدارس مناطق گوناگون تهران تدریس می‌کردم و ضمن آن ادامه تحصیل می‌دادم. در این سال به پیشنهاد یکی از دوستان، همکاری پاره‌وقتم را با دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی شروع کردم. در این زمان مهندس **سادات**، رئیس گروه درس دینی در این دفتر بود.

در سال ۱۳۷۴ یا ۱۳۷۵ بنده مسئول درس دینی شدم و مهندس سادات در سمت معاونت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی قرار گرفت. در آن زمان مجلات تخصصی رشد در دفتر تألیف

آماده می‌شدند. ولی کارهای اجرایی را دفتر انتشارات کمک‌آموزشی به عهده داشت. متناسب با سمت بنده سردبیر مجله رشد معارف اسلامی هم شدم و از آن سال تاکنون به‌عنوان سردبیر در خدمت همکاران مجله هستیم.

● با توجه به سابقه شما در سمت سردبیری و اینکه به احتمال زیاد آشنایی شما با مجله باید به قبل از آن هم برگردد، خوب است شمای از رسالت مجله را برای مخاطبان ترسیم بفرمایید.

○ رسالت اصلی مجلات تخصصی رشد، از جمله مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، تغذیه فکری معلمان متخصص این رشته‌هاست. اما این رسالت و مسئولیت جانبی را هم دارد که برای دانشجویان تربیت‌معلم و دانشجویان دبیری دانشگاه‌ها هم قابل استفاده باشد. پس مخاطبان اصلی ما، دبیران قرآن و دینی دبیرستان‌ها هستند. البته با توجه به ارتباطی که این درس با سه درس دیگر، یعنی فلسفه و منطق و عربی

همکاران معارف علمی در پیشرفت علمی مجله بکوشند

پای صحبت دکتر محمد مهدی اعتصامی
سردبیر مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی

● جناب عالی با سابقه‌ترین سردبیر مجله رشد آموزش معارف اسلامی شناخته می‌شوید. می‌خواهیم ابتدا با سابقه شما در همکاری با مجله آشنا بشویم.

○ بنده پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸ وارد آموزش و پرورش شدم. البته در تابستان همان سال در امتحان کتبی سراسری انتخاب دبیران دینی شرکت کردم. آن وقت وزیر آموزش و پرورش شهید محمدعلی رجایی بود.



دارد، مجله پنج درس را پوشش می‌دهد: درس دینی و قرآن، عربی و فلسفه و منطق. می‌دانید که درس‌های دینی و قرآن در دوره‌های متوسطه اول و دبستان، دو درس مجزا به حساب می‌آیند، اما در دوره دبیرستان یک درس به‌شمار می‌روند، بعد درس عربی و درس فلسفه و منطق.

اما شاکله اصلی مجله را معمولاً مقالات قرآنی و معارفی می‌سازند، زیرا وسعت مفهومی این دو بسیار زیاد است. البته صفحات ویژه‌ای نیز به درس عربی اختصاص می‌یابند که از طرف همکاران گروه عربی تهیه می‌شوند. مقالات فلسفه و منطق نیز در همان بخش مقالات قرآن و معارف می‌آیند و حالت تلفیقی دارند. زیرا معلمان درس قرآن و دینی، کار آموزش فلسفه و منطق را هم به عهده دارند. یعنی اگر مقاله‌ای درباره خدا، وجود، وحدت وجود و از این قبیل در مجله باشد، معلمان دینی و معلمان فلسفه هم می‌خوانند.

• با توجه به این نکات می‌شود گفت که ما از نظر محتوایی دو دوره را در مجله طی کرده‌ایم:

• از دوره ابتدای انقلاب اسلامی تا دهه ۱۳۷۰: در سال‌های اول انقلاب ما با نیروهای مخالف چپ مارکسیستی و چالش‌های ناشی از این جریان فکری مواجه بودیم. اشکالاتی که بر معارف دینی وارد می‌شد، از طرف این نیروها و جریان فکری بود. به‌طور طبیعی، مجله هم سعی داشت به چنین موضوع‌ها و چالش‌هایی بپردازد و معلمان را در برابر پرسش‌ها و شبهه‌های آنان تقویت و پاسخ‌گو کند. جریان‌ها و چالش‌های فرهنگی که در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ متناسب با اوضاع زمان پیش آمد، مثل پیدایش سیستم‌های رایانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی در این دهه‌ها، در دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ نبودند.

• شبکه‌ها، خانه‌های تیمی گروهک‌های معارض بودند.

• بله، لذا با تغییر وضعیت و الگوهای فرهنگی، به‌طور طبیعی محتوای مجله هم باید جهت خاصی می‌گرفت. در دهه ۱۳۶۰ تلاش می‌کردیم بیشتر آثار شهید مطهری و آقای مصباح یزدی را که متناسب با شبهه‌های مطرح در آن دوران بودند، چاپ کنیم و مجله پایگاه فکری برای تقویت معلمان در برابر آفات آن زمان باشد.

اما با تغییر رویکرد جامعه و پدیده‌های چالش‌های فرهنگی جدید، کم‌کم رویکرد مجله هم به این

سمت چرخش یافت و مقتضای این چرخش نیز، جوان‌گرایی در کار مجله برای نوشتن مقالات مناسب بود. افراد جدیدی به مجله پیوستند. از جمله، آقای دارایی از کسانی بود که می‌کوشید، مقالات مربوط به غرب‌شناسی را بنویسد و جریان‌های فکری مربوط به غرب را توضیح دهد. مورد دیگری را هم می‌شود در زمره تغییرات به حساب آورد. ما تا دهه ۱۳۷۰ خیلی به برنامه درسی نمی‌پرداختیم، معمولاً محتوای کتاب درسی مورد نظر بود و در مجله به موضوع‌های علمی توجه داشتیم. با آمدن دکتر حسن ملکی به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، جریان برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان علم برنامه‌ریزی درسی در دفتر مطرح شد. در مجله هم گرایش بدین‌جهت پیدا شد تا با پرداختن به این موضوع، به تدریج معلمان را با برنامه‌ریزی درسی و علم برنامه‌ریزی درسی آشنا کنیم که این دوره همچنان ادامه دارد.

در دوره دیگر به فعال‌سازی معلمان در مجله توجه شد. تا قبل از این دوره بیشتر از مقالات استادان و دانشمندان دانشگاه‌ها استفاده و چاپ می‌کردیم. البته سطح علمی مجله هم خوب بود. با توجه به رویکرد فعال‌سازی معلمان در آموزش و پرورش و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، تصمیم گرفتیم که معلمان را در نوشتن مقالات فعال کنیم تا در قبال مجله منفعل و خواننده صرف مقالات مجله نباشند. لذا چند بار فراخوان دادیم. چند بار ویژگی‌های مقالات مورد نیاز را در مجله چاپ کردیم که به تدریج در سال‌های اخیر فرایند رو به رشدی از مقالات معلمان را شاهدیم. این موضوع گرچه سبب افت سطح علمی و محتوایی مجله شد، اما به این دلیل که معلمان خودشان مطلب می‌نویسند، امتیاز به حساب می‌آید. معمولاً نویسندگان شهرستانی‌اند؛ آن‌ها هم از شهرهای دور و نزدیک. الان می‌توان گفت، کمی بیش از ۵۰ درصد مقالات مجله را معلمان می‌نویسند.

• آقای دکتر، آنچه همکاران محترم معلم ما می‌نویسند تا چه حد با نیازهای معلمان و مخاطبان مجله تطبیق دارد؟

• شاید ۷۰ درصد مقالات رسیده به مجله مربوط به معلمانی است که آن‌ها را در دوره آموزش ضمن خدمت نوشته‌اند، یعنی دارند از دوره کارشناسی به کارشناسی ارشد می‌روند. یا پژوهش‌های مربوط به دانشگاهشان است که

تا دهه ۱۳۷۰ خیلی به برنامه درسی نمی‌پرداختیم، معمولاً محتوای کتاب درسی مورد نظر بود و در مجله به موضوع‌های علمی توجه داشتیم. با آمدن دکتر حسن ملکی به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، جریان برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان علم برنامه‌ریزی درسی در دفتر مطرح شد. در مجله هم گرایش بدین‌جهت پیدا شد تا با پرداختن به این موضوع، به تدریج معلمان را با برنامه‌ریزی درسی و علم برنامه‌ریزی درسی آشنا کنیم که این دوره همچنان ادامه دارد





برای ما می‌فرستند. به‌نظر می‌رسد که ما باید موضوع‌ها و عنوان‌های مورد نیاز مجله را اعلام کنیم. البته این کار را چند سال پیش کردیم و شاید باید این کار را تکرار کنیم. بسیاری از مقاله‌هایی که رد می‌شوند، تکراری‌اند. برای مثال ده‌ها مقاله درباره آثار مثبت نماز به دست ما می‌رسد. یکی دو بار می‌توانیم این نوع مقاله‌ها را چاپ کنیم، بیش از این نمی‌شود. به‌خصوص که موضوعی آسان است. درباره حجاب هم این صورت کار تکرار می‌شود.

• بیشتر مقالات رسیده مربوط به نماز و حجاب و امر به معروف و نهی از منکر است.

احتمالاً این مقاله‌ها را برای سمینارهایی که در کشور برگزار می‌شوند، می‌فرستند و بعد می‌فرستند که در مجله هم چاپ شوند. در حالی که نیاز اصلی ما به نوشته‌هایی است که به آموزش بپردازند.

• می‌توانید برای مثال هر دو سال یا هر سال موضوع‌های مورد نیازتان را در مجله هر فصل چاپ کنید و خارج از آن موضوع را نپذیرید.

۵۰ درصد این مقالات رد می‌شوند. آن مقالاتی که در اولویت دوم و سوم قرار می‌گیرند، تا سه سال در صف انتظار قرار می‌گیرند. ولی اگر مقاله آموزشی باشد، به سؤال‌های امتحانی یا کنکور بپردازد، یا نحوه تدریس بهتر درسی را مطرح کند، یا سؤال‌های دانش‌آموزان کلاس را درباره موضوع درس به‌صورت مدون و پرورده بیان دارد، خوب است و در صف اول چاپ هم قرار می‌گیرد و با اسم و رسم نویسنده در مجله آورده می‌شود و به نفعش هم هست. اما به این علت که هنوز مهارت کافی در این حوزه ندارند، لذا ترجیح می‌دهند به چیزهای دیگری بپردازند که بدان‌ها نیاز نیست یا تکراری و یکنواخت شده‌اند.

• درباره علت تلفیق دو مجله رشد آموزش قرآن و رشد آموزش معارف اسلامی توضیح بدهید و بفرمایید، برای این دوره به چه موضوع‌هایی اولویت می‌دهید؟

○ سند تحول آموزش و پرورش و سند برنامه

درسی ملی، نگاه جدیدی به مباحث آموزشی، تعلیمی و تربیتی در آموزش و پرورش دارند. در سند تحول یک حوزه احکام، اخلاق و آداب داریم و در برنامه درسی ملی دو حوزه داریم: یکی قرآن و عربی و دیگری حوزه معارف اسلامی و حکمت. در مرحله اجرا در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی»، حوزه قرآن و عربی و حوزه معارف اسلامی و حکمت با هم تلفیق شده‌اند و عنوان حوزه قرآن و معارف اسلامی گرفته‌اند. بدین ترتیب حوزه قرآن و معارف اسلامی در سازمان پژوهش، مسئول تدوین تمامی درس‌های دینی، قرآن و عربی است.

در حال حاضر در «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» یک گروه قرآن و معارف اسلامی داریم که تخصص‌های عربی، قرآن و معارف اسلامی را در خودش جای می‌دهد. در بخش‌های دیگر هم متناسب با تغییر باید تحول صورت گیرد. ما دو مجله رشد آموزش قرآن و رشد آموزش معارف اسلامی را با هم ادغام کردیم تا مجله جدید این حوزه را که با هم تلفیق شده‌اند، پوشش بدهد. به تعبیر دیگر از فصل پاییز سال ۱۳۹۴، ما فقط یک مجله با عنوان «رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی» تولید می‌کنیم و در اختیار معلمان قرار می‌دهیم.

• با دوستان همکار مجله که صحبت می‌کردم از حجم مجله جدید شکایت داشتند. می‌گفتند دو مجله هر یک ۶۴ صفحه داشتند و به یک حوزه می‌پرداختند. اکنون اما به یک مجله ۸۰ صفحه‌ای تبدیل می‌شوند با حوزه گسترده‌تر و چندمنظوره.

□ درخواست ما داشتن مجله‌ای تا حدود ۱۰۰ صفحه بود، ولی دوستان در دفتر انتشارات کمک آموزشی می‌گویند، به هیچ‌یک از مجلات رشد یارانه نمی‌دهیم. مجلات رشد باید بتوانند خودگردان شوند. با این جوابی که به ما دادند، اگر ۱۰۰ صفحه می‌شد، باید قیمت مجله افزایش می‌یافت و در نتیجه از تعداد خریداران مجله کم می‌شد. همچنین گفته‌اند با وجود ۸۰ صفحه بودن مجله، نمی‌خواهند قیمت را افزایش بدهند، بلکه همان قیمت مجله ۶۴ صفحه‌ای را برای مجله جدید در نظر می‌گیرند که کار خوبی است. اگر ما بتوانیم در دوره جدید بر تعداد خوانندگان

بسیاری از مقاله‌هایی که رد می‌شوند، تکراری‌اند. برای مثال ده‌ها مقاله درباره آثار مثبت نماز به دست ما می‌رسد. یکی دو بار می‌توانیم این نوع مقاله‌ها را چاپ کنیم، بیش از این نمی‌شود. به‌خصوص که موضوعی آسان است. درباره حجاب هم این صورت کار تکرار می‌شود.



در دهه ۱۳۶۰
تلاش می کردیم
بیشتر آثار شهید
مطهری و آقای
مصباح یزدی را
که متناسب با
شبهه های مطرح
در آن دوران
بودند، چاپ کنیم
و مجله پایگاه
فکری برای تقویت
معلمان در برابر
آفات آن زمان
باشد

سعی کند، به اصطلاح «تست زن» حرفه ای شود. حرف کلی من این است که مجموعه بخش معارف و قرآن ضعیف است و الان در مدارس به صورت مطلوب به درس دینی و قرآن نمی پردازیم که بحث دیگری است. اما قرائت به لحاظ متن آیات و تعداد آیاتی که در کتاب کنونی هست، نسبت به کتاب قبلی بیشتر است. میزان نمره ای که برای قرائت قرار دادیم در مجموع بیشتر از قبل است و مجبورند در کارنامه مراعات بکنند.

• معمولاً در مدارس عمل نمی شود بگذریم. درباره همین صدمین شماره با دوستان صحبت می کردم، می گفتند به بخش عربی در مجله اهمیت نمی دهند. حتی نام عربی نیز روی مجله نیست. لذا کسی که به عنوان مجله نگاه کند، متوجه نمی شود و نباید هم متوجه شود که ممکن است چیزی درباره زبان عربی داشته باشد. خلاصه کلام، گله داشتند و می خواستند در دوره یکی شدن دو مجله رشد آموزش قرآن و معارف، درباره عربی فکری بشود تا از انزوا و گمنامی بیرون بیاید.

○ نکته اول: گفتم که این مجله متکفل پنج درس است: قرآن، عربی، فلسفه و منطق. گاهی فلسفه و منطق را یکی می گیریم ولی عنوان درس دوتاست بنابراین با دینی پنج درس می شود. سابق ما عربی را به عنوان بخش خاص در مجله چاپ نمی کردیم. البته اگر مقاله ای بود، چاپ می کردیم. بعد تصمیم گرفتیم آن را در قالب ویژه نامه قرار بدهیم. الان در مجله، عربی بخش خاصی را به خود اختصاص داده است، در حالی که قرآن، دینی، فلسفه و منطق این وضع را ندارند. حوزه ای را که عنوان این مجله پوشش می دهد «قرآن و معارف اسلامی» است و عربی ذکر نشده است. چرا؟ زیرا درس عربی را در سنت خودمان جزو معارف اسلامی می دانیم. یعنی موضوعی مستقل به عنوان زبان عربی نداریم. هر کس به حوزه علمیه می رود، در سه چهار سال اول عربی می خواند، ولی نمی گویند این آقا به حوزه رفته است تا متخصص زبان عربی بشود، بلکه طلبه معارف اسلامی است. در هر حال به رویکرد دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ارتباط دارد

مجله و شمارگان آن بیفزاییم، شاید بتوانیم مدیریت دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی را قانع کنیم که مجله از حالت فصل نامه خارج شود و ترتیب انتشار آن به هر دو ماه تغییر کند. در این صورت می توان مقالات و موضوع های به روزتری را در مجله آورد که بر ارزش کار هم می افزاید. مجله ما این ویژگی را دارد که می تواند در خارج از دایره معلمان نیز خواننده و مخاطب داشته باشد. حتی می شود سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، مجله قرآنی برای کل معلمان مدارس ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم تهیه کند، به صورتی که غیر از معلمان قرآن و معارف اسلامی، معلمان درس های دیگر مثل فیزیک و شیمی هم بتوانند از آن استفاده کنند. بدین ترتیب مجله ای فراهم آید که ارتباط تمامی معلمان مدارس کشور با بحث قرآن، و نه درس قرآن، ممکن سازد. این کار شدنی است.

• شما ضمن اینکه سردبیر مجله رشد آموزش قرآن و معارف هستید، از مؤلفان کتاب «دین و زندگی» هم بوده اید. در میان گذاشتن این پرسش با شما مغتنم است. دبیران به ما می گویند بخش قرائت قرآن در کتاب دین و زندگی در آموزش اجرا نمی شود و مغفول می ماند. طرحی ندارید که بخش قرآن کتاب دین و زندگی تقویت و فعال تر شود و معلمان در کلاس به آن بهتر برسند؟ حال هم که مجلات رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی یکی می شوند، نکند همین اتفاق در مجله بیفتد؟

○ بخش قرآن کتاب دین و زندگی، فقط شامل قرائت نیست. ترجمه و تدبر و چیزهای دیگری هم دارد که به بخش قرآن کتاب تعلق می گیرند. در مورد بخش قرائت می گویند که تضعیف شده است، زیرا بخش معنا و مفاهیم چنان وسیع شده که حتی بخش معارف را تحت الشعاع قرار داده است. برای مثال در کنکور ۸۰ درصد سؤالات مربوط به قرآن است. گرچه رویکرد کنکور به همین بخش، رویکرد درستی نیست. یعنی سؤالات کنکور مناسب نیستند و بیشتر برای بچه ها دردسر ایجاد می کنند و سبب می شوند، دانش آموز مفاهیم قرآن را یاد نگیرد و بیشتر



رشد معلم و وجود مقاله‌ای که دست معلم را سر کلاس در آموزش بگیرد، مهم است. باید بتوانیم این دو مورد را با هم در مجله پیش ببریم؛ یعنی هم مقالات سفارشی داشته باشیم و هم بتوانیم درصدی از مقالات معلمان را چاپ کنیم

که بخواهد چه کار کند. ولی اگر عربی به حدی برسد که بتواند یک مجله را سامان بدهد و در آموزش و پرورش هم پذیرش و مخاطب داشته باشد، آن وقت مسئولیتش با دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است که بپذیرد.

● **با توجه به کار تلفیق دو مجله، آیا تغییری در هیئت تحریریه هم به وجود می‌آید؟**

○ البته تغییر کوچکی است. در حقیقت متناسب‌سازی کرده‌ایم و از اعضای هیئت تحریریه قبلی اکثریت‌شان در دوره جدید هم حضور دارند.

● **درخواست دیگر هم اطلاع‌رسانی بهتر درباره مجله بین مخاطبان بود. می‌خواستند فکری درباره توزیع بهینه هم بشود تا به دست افراد بیشتری در سراسر کشور برسد و از شمارگان مجله حداکثر استفاده به عمل آید. به ویژه خیلی از معلمان مجله را نمی‌شناسند.**

□ توزیع در اختیار مجله نیست. یک سیستم کلی است که مجری آن دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی آن را انجام می‌دهد. اما این واقعیت دارد که از مجلات تخصصی دفتر انتشارات و تکنولوژی

آموزشی (مجلات رشد) سر کلاس درس استفاده مطلوب نمی‌شود. اگر معلمی هم مجله را تهیه کند، شاید همه مطالب آن را مطالعه نکند. جا دارد که به فکر طرح‌هایی باشیم که سبب شوند معلمان برای تهیه و مطالعه مجله و استفاده از آن در کلاس انگیزه پیدا کنند و به همکاری نزدیک با مجله علاقه‌مند شوند. به نظر من اگر با سرگروه‌های درس دین و زندگی و عربی و فلسفه ارتباط مستقیم داشته باشیم و با آنها نشست‌هایی برگزار کنیم، می‌تواند مفید باشد.

● **رفته بودیم به چابهار. اصلاً نام مجله رشد آموزش قرآن و رشد آموزش معارف اسلامی به گوش آن‌ها نرسیده بود! حتی سرگروه درس دین و زندگی می‌گفت چنین مجله‌ای را ندیده‌ام!**

○ واقعیت این است که ضعف اطلاع‌رسانی داریم.

● **هدف شما این است که معلمان بتوانند از محتوای مجله استفاده کنند و فرمودید که حدود ۵۰ درصد مقالات را معلمان تهیه می‌کنند. در مجله مقالاتی دیده می‌شوند که کمتر به درد کار معلمی می‌آیند و تأثیری در روش تدریس ندارند؛ البته دانش‌افزایی می‌کنند. آیا دست‌اندرکاران مجله نمی‌خواهند به فکر تولید مقالاتی باشند که به کار آموزش و تدریس و معلمی بیاید؟ گرچه این کار از نقش تحریری همکاران معلم می‌کاهد، ولی بر بار آموزشی می‌افزاید. نظر شما چیست؟**

○ به نظر من رویکرد میانه مناسب‌تر است. زیرا رشد معلم‌ها به‌طور مستقیم بستگی دارد به میزان مطالعه آنان و اینکه تحقیق کنند و مقاله بنویسند. وقتی خودمان را با کشورهای که در این زمینه پیشرفته‌ترند مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم حتی کتاب‌های درسی موفق کتاب‌هایی هستند که معلم‌ها نوشته‌اند؛ نه کتاب‌هایی که توسط متخصصان آموزش و برنامه‌ریزی درسی نوشته شده‌اند. به یاد دارم چند سال پیش یک کارگاه آموزشی داشتیم.



به یاد دارم چند سال پیش یک کارگاه آموزشی داشتیم. یک نفر معلم جغرافیا و یک نفر متخصص برنامه‌ریزی جغرافیا در این کارگاه از انگلیس حضور داشتند. فردی که متخصص برنامه‌ریزی درسی رشته بود، کتابش ۲۰ هزار نسخه فروخته بود و کتاب معلم جغرافیا که براساس برنامه‌ریزی آن متخصص نوشته شده بود، بیش از یک میلیون نسخه فروخته بود. در انگلیس چندتألیفی است

می‌آیند و دانش‌آموزان سؤال‌های خود را از آنان می‌پرسند. ما در حال حاضر مجله‌ای که حاوی تحلیل‌های مسائل و وقایع روزآمد باشد و در اختیار معلمان قرار بگیرد، نداریم. آیا رشد آموزش قرآن و معارف در این زمینه فکری کرده است و برنامه‌ای دارد تا معلمان با استفاده از محتوای تحلیلی مجله بتوانند به پرسش‌ها، پاسخ‌های مناسب و اقناع‌گر و درست بدهند؟

○ به نکته مهمی اشاره کردید، زیرا درس دینی و قرآن در معرض چالش‌های زیادی است. یکی از چالش‌ها مربوط به عملکرد و سیاست‌های نظام است. زیرا کشور ما دارای نظام جمهوری اسلامی است و براساس آیین قرآن و معارف دینی اداره می‌شود. هرچه شما در حوزه زندگی اجتماعی و فرهنگی ببینید، به نحوی با این موضوع ارتباط می‌یابد. معلم دینی و قرآن هم که محور این کار است، همیشه محل رجوع است. برای مثال، حجاب در ایران یک قانون اجتماعی است. در هیچ‌یک از کشورهای اسلامی دیگر چنین نیست. برای دخترهای ما در این مورد سؤال جدی وجود دارد که چرا در سوریه، مصر و دیگر کشورهای اسلامی حجاب اجباری نیست؟ در این کشورها زنانی با چادر و روبنده هستند و زنان بی‌حجاب هم هستند. دختران ما تا قانع نشوند، ما نمی‌توانیم قانون را خوب اجرا کنیم. همان‌طور که در رانندگی، تا مردم به فواید قوانین رانندگی پی‌نبرند و قانع نشوند، آن را اجرا نمی‌کنند. از این موارد ما چالش‌های مربوط به رایانه و شبکه‌های اجتماعی را هم داریم. باید مسائل سیاسی را هم به آن‌ها اضافه کرد. به‌نظر می‌رسد این بار در وهله اول روی دوش نظام آموزش و پرورش کشور است که گوشه‌ای از آن هم به مجله معارف و قرآن باز می‌گردد. اگر نظام آموزش و پرورش نتواند در تربیت دانش‌آموزان در بعد اعتقادی و سیاسی موفق باشد، از بقیه نهادهای اجتماعی حتی از رادیو و تلویزیون نباید انتظاری داشته باشید. در حقیقت به عهده ماست که در همین صفحات مقرر مجله بتوانیم از معلمان دستگیری کنیم.

بنده اخیراً نگاه اجمالی به سرمقاله‌هایی که در چند سال اخیر در مجله نوشته‌ام، داشتم و تلاش هم کردم که به همین موضوع‌ها بپردازم. نمی‌دانم که چه‌قدر موفق بودم.

یک نفر معلم جغرافیا و یک نفر متخصص برنامه‌ریزی جغرافیا در این کارگاه از انگلیس حضور داشتند. فردی که متخصص برنامه‌ریزی درسی رشته بود، کتابش ۲۰ هزار نسخه فروخته بود و کتاب معلم جغرافیا که براساس برنامه‌ریزی آن متخصص نوشته شده بود، بیش از یک میلیون نسخه فروخته بود. در انگلیس کتاب درسی چندتألیفی است، ولی در ایران به دلیل تمرکزگرایی نتوانسته‌ایم از توانایی معلمان استفاده لازم را ببریم.

● البته در ایران هم شیوه چندتألیفی رایج بود، ولی با هرج و مرج همراه بود و ناچار شدند به تمرکزگرایی رو بیاورند.

○ البته زمان این تمرکزگرایی که می‌گویید، خیلی قبل از کنکور است. آن زمان تعداد مدارس کشور خیلی محدود بود. اما اگر حالا بتوانیم با آگاهی و شیوه مشخص به این سمت برویم، خیلی عالی خواهد بود. تمرکزگرایی سبب عدم رشد معلمان شده است. الان تعدادی از معلمان ما اهل مطالعه نیستند. می‌روند سر کلاس و برمی‌گردند؛ همین. یکی از جاهایی که می‌تواند دغدغه مطالعه و تحقیق را ایجاد کند، مجله است. رشد معلم و وجود مقاله‌ای که دست معلم را سر کلاس در آموزش بگیرد، مهم است. باید بتوانیم این دو مورد را با هم در مجله پیش ببریم؛ یعنی هم مقالات سفارشی داشته باشیم و هم بتوانیم درصدی از مقالات معلمان را چاپ کنیم. اگر نویسندگانی ببینند که مقاله‌اش تا سه سال مانده و بعد چاپ می‌شود، مقاله دوم را به ما نمی‌دهد. باید به فکر راه‌های دیگر باشیم...

● استفاده از فضای مجازی ...

○ یکی فضای مجازی است. یکی دیگر هم می‌تواند برگزاری جشنواره‌هایی در این درس با هدف شناسایی و معرفی بهترین مقاله‌ها باشد. آن وقت نتیجه جشنواره که گزینش برترین‌هاست را در مجله چاپ کنیم. یعنی جشنواره مقاله‌نویسی داشته باشیم. امکان هم دارد که ویژه‌نامه‌ای از مقالات برتر چاپ و منتشر بشود و در اختیار استان‌ها قرار بگیرد.

● معلمان دین و زندگی در مدرسه و کلاس نماینده نظام جمهوری اسلامی به حساب

